



جغرافیا و روابط انسانی، تابستان ۱۴۰۰، دوره ۴، شماره ۱، صص ۳۴۹-۳۳۱

اصول و معیارهای طراحی فضاهای عمومی شهری با رویکرد تقویت تعاملات اجتماعی استفاده کنندگان از فضا (نمونه ی موردی پارک ساحلی کیانپارس)

فاطمه الزهرا نصیر پورا^۱، ندا مولایی بیرگانی^۲

مریی گروه شهرسازی و معماری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

Nassirpour.np@gmail.com

دانش آموخته کارشناسی ارشد طراحی شهری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

Hesabkari1399@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۲

چکیده

در دهه های اخیر رشد شهر نشینی و توجه صرف به الزامات فیزیکی و کم توجهی به فضاهای عمومی که بستری برای ارتباط میان مردم میباشند و نقش مهمی در سرزندگی شهرها ایفا میکنند، سبب بروز مشکلاتی در زمینه نیازهای روانی و اجتماعی شهروندان شده است. با توجه به اینکه تعداد جوامع شهری رو به افزایش است و به لحاظ ظاهری نیز این جوامع شبیه به شهر میباشند، فقدان عناصر مربوط به روح و روان کاربران، تاثیر زیادی بر عدم احساس تعلق و مشارکت عمومی شهروندان، داشته است. این پژوهش با هدف اصول و معیارهای طراحی فضاهای عمومی شهری با رویکرد تقویت تعاملات اجتماعی استفاده کنندگان از فضا (نمونه ی موردی پارک ساحلی کیانپارس انجام گرفته؛ روش تحقیق تحلیلی- توصیفی، جهت تجزیه و تحلیل یافته ها ابتدا داده های توصیفی از طریق نرم افزار SPSS وارد شده. سپس از آزمون اسپیرمن استفاده شده است. یافته ها: براساس مقدار همبستگی اسپیرمن، برای فرضیه اول مقدار همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر تقویت معیارهای بعد کالبدی بر ایجاد حیات جمعی در فضای عمومی (۰/۰۹۸) و سطح معناداری (۰/۰۲۶) و برای فرضیه دوم، مقدار همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر تقویت معیارهای بعد اجتماعی و افزایش تعاملات اجتماعی (۰/۰۹۵) و سطح معناداری (۰/۰۲۸) می باشد. نتایج این تحقیق و لحاظ نمودن خصوصياتی که باعث مطلوبیت و نشاط و حیات اجتماعی شده است می توان این عوامل را بسط و توسعه داد و از تجربه ایجاد این سبز راه برای ایجاد فضاهای مطلوب مشابه در دیگر نقاط شهر و سایر شهرها استفاده نمود.

کلمات کلیدی: فضای شهری، فضاهای عمومی، تعامل اجتماعی، پارک ساحلی کیانپارس



مقدمه

بیش از نیمی از جمعیت جهان که در شهرها زندگی میکنند، با مشکلات جدی ترافیکی و چالش‌های توسعه شهری روبرو هستند. در بسیاری از شهرهای توسعه یافته، زیرساخت‌های قدیمی از جمله شبکه‌های ترافیکی، نمی‌توانند نیاز شهروندان را برآورده سازند، چراکه این زیرساختها نیاز به بهسازی فوری داشته و هزینه کاهش این مشکلات شهری غالباً بسیار گران است (Zeng et al, 2019:1)

هنگامی که سخن از شهر به میان می‌آید، در واقع صحبت از مکانی است که بالاترین حد از تمرکز قدرت و فرهنگ یک اجتماع را در خود جای داده است؛ مکان تبلور وسیع‌ترین شبکه‌های ارتباط اجتماعی، جایی که تعلق به آن و اهل آن بودن، نوعی هویت شناختی برای فرد به ارمغان می‌آورد. تلقی از توده و فضا که جز در صورت حضور افراد انسانی در آن، در مرز توده و فضاباقی می‌ماند و نه نشانگر تمدن که تنها باقی‌مانده‌ای تاریخی یا باستانی از تمدن را به تصویر می‌کشد. (ماجدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۶۴)

گسترش جوامع انسانی و نیاز انسانها برای زندگی بهتر و محدودیت‌هایی که در فضاهای مسکونی شهرهای امروز وجود دارد ضرورت حضور در فضاهای جمعی برای شکل‌گیری ارتباط و فعالیت‌های انسانی را بیش از پیش نشان می‌دهد شهر، فضایی برای شکل‌گیری ارتباطات اجتماعی، رویدادها و فعالیت‌های روزمره مردم می‌باشد و به باور لنگ^۱

این فضاها می‌توانند در شکل‌گیری موارد فوق، بازدارنده و یا تسهیل‌کننده باشند. بنابراین توجه به جنبه‌های گوناگون فضای شهری، به خصوص فضاهای عمومی نقش بسزایی در بوجود آمدن فضایی تعامل‌گرا و اجتماع‌پذیر خواهد داشت و موجب سرزندگی حیات شهری میشود. فضاهای عمومی چون میادین، گذرها، خیابانها، فضاهای فرهنگی و... به عنوان جایی برای شکل‌گیری ارتباط بین مردم از دغدغه‌های اصلی معماران و طراحان شهری محسوب میشوند و نظریه پردازان رویکردهای مختلفی در این زمینه ارائه داده‌اند که نشان از اهمیت این موضوع دارد. (بالسینی و رضا سلطانی، ۱۳۹۵: ۲)

در کشور ما تلاش برای ارتقاء اجتماع‌پذیری در قالب ایجاد فضاهای عمومی در مقیاس‌های مختلف شهری (محله، ناحیه، منطقه و شهر) نمود پیدا کرده است. ایجاد مراکز محله‌ای، پارکها و فرهنگسراها در مقیاس ناحیه و... از این جمله‌اند. این فضاها علاوه بر کارکردهای تعریف شده، در ایجاد و ارتقاء اجتماع‌پذیری ساکنان نقش عمده‌ای داشته و توانسته‌اند این حلقه گمشده بین مردم را احیا کنند. همچنین تا حدی ساکنان را از کنج‌خانه و فردگرایی‌رهایی بخشیده و به اجتماع بازگردانند. انتخاب این مکان‌ها از سوی مردم برای گذران اوقات فراغت، مراودات اجتماعی و... بستگی شایان توجهی به ویژگی‌های کالبدی-عملکردی و اجتماعی فضاهای عمومی ایجادشده در این مقیاس‌ها دارد. (شجاعی و پرتوی، ۱۳۹۴: ۹۴)

اهواز با جمعیت ۱۲۲۷۰۱۱ نفر، دارای ۸ منطقه و ۳۴ ناحیه و ۱۲۴ محله شهری می‌باشد (شهرداری اهواز، ۱۳۹۶) شهر اهواز به عنوان یک شهر ناحیه‌ای، در طی دهه‌های اخیر تحولات جمعیتی و کالبدی

¹ - Jahn Lang

متناوبی را پشت سر گذاشته است. در این میان در سطح منطقه دو شهرداری اهواز، محله کیانپارس قرار دارد که محله ای بسیار زنده و پویاست. وجود مراکز متعدد خرید، رستوران ها و فست فودهای متعدد، ساختمان و مطب های پزشکان متخصص و فوق تخصص و سایر عناصر، امکانات و خدمات شهری مورد نیاز، فضای شهری مناسبی را به آن بخشیده است.

لذا در این تحقیق، محدوده پارک ساحلی کیانپارس به این دلیل که نقش خود را به عنوان مرکز خدمات رسانی ایفا می کند از یکسو و قرارگیری این محله در مجاورت مسیر رودخانه به عنوان مکان تفریحی و فضایی برای تعاملات اجتماعی ازسویی دیگر، سبب بروز و ظهور الگوهای رفتاری متمایز در رفتارهای اجتماعی شده است. این ویژگیهای منحصر به فرد، پارک ساحلی کیانپارس را گزینه ی مناسبی جهت بررسی مؤلفه های تأثیرگذار فضاهای عمومی در ارتقاء تعاملات اجتماعی تشکیل داده است. نهایتاً سعی بر آن بوده تا با در نظر گرفتن نظرات ساکنان با پرسشنامه ای که طرح و ساخته شد، خواسته های ساکنین را در ارتباط با نقش فضاهای عمومی، و عوامل مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی را شناسایی کنیم. در این پژوهش دو فرضیه مطرح شده:

فرضیه اول: به منظور حضور مردم و ایجاد حیات جمعی در فضای عمومی تقویت معیارهای بعد کالبدی در محدوده مورد مطالعه ضروری به نظر می رسد.

فرضیه دوم: به نظر می رسد تقویت معیارهای بعد اجتماعی بر میزان افزایش تعاملات اجتماعی شهروندان و ترغیب شهرنشینان به استفاده از فضاهای عمومی تأثیر دارد.

اهداف تحقیق

تقویت معیارهای بعد کالبدی

تقویت معیارهای بعد اجتماعی

پیشینه تحقیق

قلمبر دزفولی و نقی زاده، (۱۳۹۲)، "طراحی فضای شهری به منظور ارتقاء تعاملات اجتماعی (مطالعه موردی: بلوار بین محله ای)" پس از آن با بررسی متون و نظریه های نظریه پردازان به رابطه بین فضای شهری و تعاملات اجتماعی و تأثیری که کارکرد و کالبد فضا بر میزان مکث و شکل گیری تعاملات مردم دارد، پرداخته و در نهایت با استفاده از شیوه تحلیلی، براساس شاخص های تأثیرگذار، راهنمای طراحی شهری یک بلوار محلی به منظور جذب ساکنان محله جهت ارتقاء تعاملات اجتماعی پیشنهاد گردید.

شجاعی و پرتوی (۱۳۹۴) "عوامل مؤثر بر ایجاد و ارتقاء اجتماع پذیری در فضاهای عمومی با مقیاس های مختلف شهر تهران نمونه موردی: فضاهای عمومی دو محله و یک ناحیه در منطقه ۷ تهران" نتیجه نشان می دهد که فضای عمومی ناحیه با وجود دسترسی کمتر و بعد فاصل های بیشتر مورد استقبال بیشتر ساکنین دو

محل نسبت به فضاهای عمومی خود قرار گرفته و از اجتماع پذیری بالایی برخوردار است. نتیجه حاصل شده نشان می‌دهد که توجه به معیارهای اجتماع پذیری در حین برنامه ریزی و طراحی فضاها موجب می‌شود آنها در کنار یکدیگر و در مقیاس‌های مختلف به حیات خود ادامه دهند.

تیموری و اصغری زمانی (۱۳۹۴) "ارزیابی ابعاد کالبدی-فضایی کیفیت محیط شهری در بافت میانی شهرهای میانه اندام (مطالعه موردی: شهر زنجان)" یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد مناطق سطح مطلوبیت متوسط ۲۳/۹۲ درصد و مناطق پایین تر از سطح مطلوبیت متوسط ۳۹/۶ درصد از سطح منطقه بافت میانی شهر زنجان را به خود اختصاص داده است، که در واقع نشان از وضعیت نامطلوب و نامناسب شاخص‌های کالبدی-فضایی و فاصله کیفی شاخص‌ها از وضعیت مطلوب دارد. پهنه بندی محدوده بافت میانی شهر زنجان از لحاظ میزان مطلوبیت ابعاد کالبدی-فضایی کیفیت محیط شهری نشان می‌دهد که محلات ترانس، بی سیم، قیر باشی، دروازه ارک، گونیه، درمانگاه در وضعیت نامطلوب و محلات امجدیه، صفا و مقدم در وضعیت نسبتاً نامطلوب قرار دارند.

بالسینی و رضا سلطانی (۱۳۹۵) "فضای باز نمایشی از دیدگاه منظر شهری با رویکرد ارتقاء تعاملات اجتماعی" با بررسی و جمع بندی نظرات صاحب نظران پیرامون مؤلفه‌های مؤثر بر کیفیت فضاهای عمومی، هفت مؤلفه تأثیرگذار بر ارتقاء کیفی این فضاها در جهت افزایش تعاملات اجتماعی شهروندان استخراج گشته و مورد تأکید قرار گرفت. توجه به چنین مؤلفه‌هایی در طراحی فضاهای شهری می‌تواند در بهبود ارتباطات و تعاملات اجتماعی شهروندان مؤثر بوده و زمینه‌ای برای جامعه‌ای پویا فراهم گردد.

پاک نهاد و پژوهان فر (۱۳۹۶) "بهبود الگوهای کیفیت فضایی پارک‌های شهری به منظور افزایش تعاملات اجتماعی شهروندان. نمونه موردی: پارک‌های شهر گرگان" نتایج نشان داد که کیفیت فضایی پارک‌های شهری بر تعاملات اجتماعی افراد تأثیرگذار است و مؤلفه‌های کیفیت فضایی خوانایی، نفوذپذیری، تنوع، انعطاف پذیری، سرزندگی و تناسب بصری به ترتیب با بتای ۰,۶۴, ۰,۰۰, ۰,۲۷, ۰,۰۵۷, با تعاملات اجتماعی ارتباط چشمگیری دارند و مؤلفه تنوع در سطح بالاتری نسبت به بقیه مؤلفه‌ها قرار دارد. در نهایت با توجه به چهار مؤلفه تنوع، خوانایی، سرزندگی و نفوذپذیری که تأثیر گذاری بیشتری بر تعاملات اجتماعی دارند، به ارائه راهکارها و پیشنهادهایی جهت افزایش تعاملات اجتماعی میان شهروندان در پارک‌های شهری پرداخته شد.

صمدی و همکاران (۱۳۹۸) "تحلیل جامعه‌شناختی - کالبدی فضاهای عمومی شهری مطالعه موردی: کلانشهر تهران" نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین عوامل جامعه‌شناختی و عوامل کالبدی فضاهای عمومی رابطه نسبتاً ضعیفی برقرار است و با توجه به نتایج رگرسیون، عوامل کالبدی بر عوامل جامعه‌شناختی به میزان اهمیتی برابر با ۰/۴۸۷ تأثیر دارد. نتایج حاصل بیانگر این است که عوامل کالبدی تأثیر بسیار کمی بر تقویت عوامل جامعه‌شناختی در بین ساکنین شهر تهران دارد. با گسترش دامنه سایر عوامل بسترناسبتری جهت عوامل و تعاملات اجتماعی فراهم میشود.

اکبری ریایی، و امیرعزضدی، (۱۳۹۸)، راهکارهای طراحی فضاهای عمومی باهدف شکل‌گیری تعاملات اجتماعی در محله گنبد کازرون" نتایج معلوم شد که برای شکل‌گیری فضای فعال اجتماعی ضمن توجه به مؤلفه های جامعه شناسی، از مؤلفه های کالبدی نیز باید استفاده کرد. از جمله مؤلفه هایی که میتواند به سرزندگی فضا کمک کند رعایت مقیاس انسان فضا، توجه به مبلمان شهری و رؤیت پذیری عرصه های همگانی می باشد.

سعیدی رضوانی و اسدی (۱۳۹۹) "تدوین معیارهای طراحی فضای مشترک در مناطق مرکزی شهرها (مطالعه موردی: خیابان خیام شهر قزوین)". در همین راستا و بر پایه معیارهای به دست آمده متون نظری و تجربیات جهانی متعدد، راهکارها و ضوابط طراحی برای اجرای این ایده در مناطق مرکزی شهری (نمونه مورد مطالعه: خیابان خیام قزوین) در قالب یک چارچوب به صورت جدول ارائه شد.

کرمونا (۲۰۰۷) در اثر مهم خود با عنوان مکان های عمومی - فضاهای شهری، کیفیات تأثیرگذار بر محیط کالبدی را در

۷ دسته تقسیم بندی کردی است که عبارت اند از: دسترسی، سخت فضا و نرم فضا، فضای همگانی، ایمنی و امنیت، منظر شهری، اختلاط و تراکم، همه شمول بودن و مدیریت زمانی فضا.

همبلتون (۲۰۱۲) در پژوهشی به بررسی رابطه بین فضاهای عمومی و سرمایه اجتماعی در ۸ محله زاغه نشین سانتیاگو شیلی بر اساس نظریات جیکوبز و وایت پرداخته است. نتایج نشان داده است که افزایش استفاده از فضاهای عمومی نظیر میدان، زمین فوتبال و کتابخانه، اثر مثبت بر سرمایه اجتماعی و بالأخص اعتماد بین شخصی، شبکه ها و مشارکت داشته است.

مبانی نظری

فضای شهری

در تعریف فضای شهری لازم است حوزه ی این تعریف مشخص باشد. به عنوان مثال تعریفی که جامعه شناسان از فضای شهری دارند متفاوت از تعریفی است که معماران و شهرسازان از این موضوع دارند. فضای شهری به باور اندیشمندان معماری و شهرسازی فراتر از فضای کالبدی و مولفه های هندسی است. فضای شهری در یک تعریف عام، شامل خیابان ها، بلوارها، میدان ها، پارک های شهری به انضمام نماهای ساختمانی که ان فضا را تعریف نموده اند. جزء فضای شهری و در حیطه ی مطالعات طراحی شهری می داند. لنگ نیز عرصه عمومی را متشکل از فضای بین ساختمان ها و نیز قسمت هایی از فضای داخلی ساختمان ها می داند (نامداریان، ۱۳۸۹):

(۱۲۶)

فضای شهری مکانی است برای جاری شدن رفتارهای مدنی - اجتماعی ناشی از روابط و مناسبات اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی موجود در بطن جامعه ی شهری و به سبب همین خصوصیت مکانی، جزء تجزیه ناپذیر ساخت فضایی شهری می شود. این فضای شهری بستری محاط شده به وسیله ی عناصر شهری است که در

آن روابط و فعالیت های اجتماعی متبلور شده و شکل می یابند. بدین ترتیب فضای شهری حیطه ای کالبدی یافته ایت و به عنوان صحنه کنش متقابل انسانی در درون فضایی رخ می دهد که به طور کالبدی و اجتماعی تعریف شده باشد. حضور این فضای اجتماعی تعریف شده تاثیر زیادی در تسهیل کنش های متقابل مردمان خواهد گذاشت. امری که خود از بنیانی ترین پایه های حیات مدنی است. (حبیبی، ۱۳۷۹: ۳۱)

فضاهای عمومی شهری

فضاهای عمومی شهری از دیرباز تاکنون بستر کالبدی تعاملات اجتماعی مردم بوده است. هر چند ویژگی های کمی و کیفی فضاهای شهری طی زمان و در اثر عوامل گوناگون چندی تغییر کرده است، اما همواره شهروندان و سایر استفاده کنندگان از شهر به چنین فضاهایی نیازمند بوده اند. "فضاهای عمومی شهری" می بایست مکانی برای "تعاملات اجتماعی" و "زندگی جمعی" باشند. فضاهای عمومی را دارای رسالتی برای افزایش "سرمایه اجتماعی" در جوامع، در بستر تعاملات و مراودات اجتماعی می داند که می توانند بستری برای توسعه و شکل گیری "هویت فردی" و "اجتماعی" باشند. (Mitchell, 1996)

کیفیت محیط

مفهوم کیفیت محیط شهری و مؤلفه های آن از اواسط قرن بیستم در بین محققین مطرح شده و بر اساس شرایط زمانی و مکانی تغییر کرده و تکامل یافته است. کیفیت محیط شهری واژه ای است که در برنامه ریزی، کاربرد بسیاری دارد و به مجموعه پدیده هایی گفته میشود که انسان را در برمیگیرد. محیط از عوامل طبیعی و ساخته شده ی دست بشر تشکیل میشود (شاهی آقبلاغی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۱)

کیفیت محیط شهر

کیفیت محیط شهری عبارت است از شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی -فضایی محیط شهری که نشان دهنده میزان رضایت یا عدم رضایت شهروندان از محیط شهری باشد (بهرامی نژاد، ۱۳۸۲: ۴۴) با وجود نظریه های مختلفی که در مورد کیفیت محیط شهری ارائه شده است؛ به دلیل فقدان یک چهارچوب قابل قبول عمومی در این امر، مفهوم کیفیت محیط شهری تا حدودی با ابهام روبرو است. بنابراین هدف از تعریف مفاهیم و مؤلفه های کیفیت محیط شهر این است که یک نظریه کلی و عمومی در مورد یک مجتمع زیستی خوب ارائه شود. نظریه ای که با هرگونه محیط انسانی سازگار شود، به آن پاسخ گو باشد و بتواند ارزش های عمومی را به عملیات خاص و مشخصی پیوند دهد و به ارتباط بین ارزش های انسانی و کالبد شهر محدود شود. (لینچ، ۱۳۷۶) کیفیت محیطی یا کالبدی، یکی از اصول برنامه ریزی شهری است که هدف آن افزایش مطلوبیت فضاهای کالبدی برای کار، زندگی، تفریح و عملکردهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. کیفیت محیطی هم شامل وضعیت خوب کالبدی (محیط انسان ساخت) و هم دربردارنده مطلوبیت محیط طبیعی و تلفیق متناسب آن ها در محیط کالبدی است. (سعیدنیا، ۱۳۷۸: ۴۷)

برنامه ریزان معتقدند کیفیت محیط یک مفهوم اصلی برای برنامه ریزی منطقه ای و اجتماعی است و با مفاهیمی همچون کیفیت زندگی، تنوع فضای اجتماعی، ویژگی های فیزیکی، فعالیت ها، وابستگی های مکانی و هویت شهری در ارتباط است. برخی از برنامه ریزان کیفیت محیط را در کنار عدالت، سازگاری، آسایش و کارایی از مهم ترین اصول بنیادی شهرسازی، در برنامه ریزی و همچنین طراحی شهری، به منظور ایجاد شهر سازمان یافته و کاهش آلودگی ها و کنترل نابسامانی های فضایی در شهر می دانند (شماعی و همکاران، ۱۳۸۴):

(۱۴)

تعامل اجتماعی

تعامل اجتماعی به معنای ایجاد رابطه بین دو نفر و بیشتر هست که باعث واکنشی بین آن ها می گردد و این نوع واکنش برای هر دو طرف شناخته شده است؛ بنابراین روابط بدون معنا در محدوده این تعریف قرار نمی گیرد. در تعریفی دیگر تعامل اجتماعی و برقراری ارتباط می تواند یک موضوع فیزیکی، یک نگاه، یک مکالمه و ارتباط بین افراد باشد که رویدادها و فعالیت های متناسب و در نتیجه نقش پذیری مردم در فضا و عضویت آن ها در گروه ها و شبکه های اجتماعی تعریف می شود (دانش پور و چرخچیان، ۱۳۸۶: ۲۲)

افراد به برقراری رابطه اجتماعی نیاز ذاتی دارند به همین دلیل موقعیت هایی فراهم می کنند تا بتوانند آن را تجربه کنند. تعاملات اجتماعی با اهداف خاص عاطفی نظیر دوستی، خویشاوندی و روابط همسایگی و یا عقلانی که در جست و جوی به حداکثر رساندن شانس افراد در رسیدن به هدف، می باشد. تعاملات اجتماعی دارای زیر معیارهای مشارکت، همکاری، گروه دوستان، جامعیت داشتن و همگانی بودن و دیدار گاهی بودن را شامل می شود. همگانی بودن و جامعیت: این متغیر به امکان حضور تمامی اقشار و گروه های سنی، جنسی، اقتصادی، اجتماعی و... در فضاهای عمومی اشاره دارد (Özgüner, 2011)

نقش فضای شهری در تقویت ارتباطات اجتماعی

بر اساس هرم مازلو، انسان ها نیازمند برقراری روابط اجتماعی اند. مازلو این نیاز را ناشی از نیاز جسمی، نیاز به ایمنی و اطمینان، نیاز به روابط اجتماعی، نیاز به احترام و منزلت و تایید و تشویق می داند (گیدنز، ۱۳۷۳):

(۱۰۹)

فضای شهری امکان گسترش دامنه اجتماعی و برخوردهای رودررو را تسهیل می نماید که این امر ناشی از توان بالای این گونه فضاها در انواع مبادلات کالا، شایعات، اطلاعات و اخبار می باشد؛ همچنین گسترش روابط اجتماعی موجب تقویت حس اطمینان و اعتماد گشته و بر امنیت و منزلت اجتماعی می افزاید. به این ترتیب اگرچه که فضای شهری توان عظیمی برای تقویت رفتارهای گروهی و کنش های متقابل اجتماعی دارد، اما به عنوان رکن طبقه بندی کننده زندگی اجتماعی بیش از هر جای دیگر مستعد رفتارهای جمعی است. از این رو «مامفورد» عملکرد اصلی فضای شهری را شکل جمعی دادن به شهر می داند. وی می گوید: «عملکرد اساسی شهر شکل جمعی دادن به شهر است که «مارتن بوپر» آن را به درستی رابطه بین من و

تو نامیده است. عملکردی که امکان گردهمایی های بسیار، ملاقات های متعدد و رقابت های فراوان بین افراد و گروه های متفاوت را فراهم کرده است، به گونه ای که نمایش زندگی اجتماعی بتواند در آن جا به روی صحنه بیاید، بازیگران و تماشاگران، به ترتیب نقش خود را عوض می کنند، عملکرد اجتماعی فضاهای آزاد شهری تجمع افراد را ممکن می سازد (شوای، ۱۳۷۵: ۳۶۴)

تاثیر کالبد بر تعاملات اجتماعی

اگر کالبد شهری همان مجموعه بناها و مکان های به هم تنیده ای در نظر گرفته شود که مردم شهر ساکنان آن هستند و در خلل و فرجها و فضاهای خالی آن زندگی اجتماعی جریان دارد، می توان این گونه نتیجه گرفت که این دو یعنی کالبد و زیست اجتماعی که درون آن روی می دهد نمی توانند از هم جدا باشند. مردم به طور طبیعی اهل معاشرت اند و دوست دارند در جاهایی که دیگران هم هستند جمع شوند؛ اما برای ایجاد فضایی به یادماندنی که بتوان در آن جمع شد و اختلاط کرد به مکان، کانون یا تکیه گاهی نیاز است. «این مکان های تجمع ممکن است در پیرامون فواره ها، آثار هنری، سکوها یا اطراف بناهای یادمانی باشد. این بناها معمولاً جایی را برای نشستن، لبه ای را برای تکیه دادن، جایی را برای پناه بردن از آفتاب و باران و محل دنجی را برای گپ زدن در خود دارند؛ طوری که حتی کسانی هم که خیلی آشنا نیستند با احوالپرسی های کوتاه، دلیل موجهی برای حضور همدیگر در این مکان ها پیدا می کنند (لنارد و لنارد، ۱۳۳) آن چه این فضاها را به لحاظ اجتماعی فعال می سازد، در درجه اول عوامل کالبدی است که می تواند زمینه ساز ورود و سپس توقف افراد درون فضا باشد؛ عواملی چون: دسترسی ها، جاذبه های بصری و عوامل طبیعی.

روش پژوهش

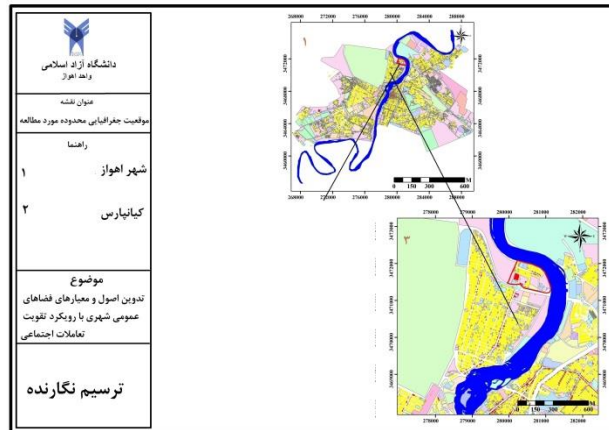
در پژوهش حاضر به منظور تحلیل داده ها، آزرشهای آماری توصیفی و استنباطی استفاده و به منظور گویا نمودن و پالایش داده ها در سطح توصیفی، از شاخص میانگین استفاده شده است. جهت تجزیه و تحلیل یافته ها ابتدا داده های توصیفی از طریق نرم افزار *SPSS* وارد شده. سپس از آزمون اسپیرمن استفاده شده است. جامعه آماری ۶۷۶۲ نفر ساکن در محله کیانپارس شهر اهواز در سال ۱۳۹۶ می باشد. (سالنامه آماری شهرداری اهواز، ۱۳۹۶: ۲۸) به منظور انتخاب حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد که بر طبق آن حجم نمونه ۳۸۵ نفر بدست آمد.

محدوده مورد مطالعه

شهر اهواز از نظر جغرافیایی، در عرض شمالی $20^{\circ}31'$ و $48^{\circ}04'$ طول شرقی قرار دارد. شهرستان اهواز از شمال غربی به شهرستان شوش، از شمال و شمال شرقی به شهرستان شوشتر، از شرق به شهرستان رامهرمز، از جنوب شرقی به شهرستان بندر ماهشهر، از جنوب به شهرستان شادگان، از جنوب غربی به شهرستان خرمشهر و از غرب به شهرستان دشت آزادگان محدود می گردد. (ملکی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹)

محله کیانپارس یکی از معروفترین محلات شهر اهواز می باشد. این محله در غرب رودخانه کارون و حدفاصل پل سیاه تا پل سوم اهواز قرار دارد. محله کیانپارس دارای سه بخش بوده که این بخش ها، توسط سه میدان،

تفکیک می شوند. منطقه بعد از میدان گردشگر (فلکه سوم) دارای ۴۰ خیابان اصلی در قالب ۲۰ خیابان شرقی و ۲۰ خیابان غربی است. خیابان های شرقی سمت رودخانه کارون و خیابان های غربی همجوار محله کیان آباد می باشند. خیابان های غربی بهتر از خیابان های شرقی ارزیابی می شوند. (فرازمند، ۱۳۹۹: ۶۶)



شکل ۱: نقشه موقعیت جغرافیایی شهرستان اهواز (نگارنده، ۱۴۰۰)

وضع موجود

استخوان بندی - سازمان فضایی

محورهای فعالیتی- فقرات اصلی: وجود دو محور مختلط منطقه ای و یک محور مختلط محلی- ناحیه ای که ساختار اصلی حوزه را نیز شکل می دهند.

لبه ها: وجود دو لبه جدا کننده قوی مسیر راه آهن در غرب و لبه طبیعی رود در شرق حوزه کیفیت و توزیع مراکز خدمات: وجود مراکز خدمات محلی، ناحیه ای و منطقه ای به میزان نسبتاً کافی-توزیع نسبتاً متعادل مراکز خدماتی

کانون ها و پهنه های عمده عملکردی: وجود کاربری ورزشی منطقه ای و خدمات درمانی در مقیاس شهر به عنوان عمده ترین کانون های عملکردی

فضای سبز- الگو و پراکنش: وجود یک پارک در مقیاس شهر و عدم وجود فضای سبز کوچک مقیاس محلی در میان بافت مسکونی به میزان کافی

کیفیت و نحوه ارتباط با رود کارون: عدم ارتباط تعریف شده مناسب با رود کارون و عدم تعریف صحیح و کارآمد کناره رود به غیر از محل قرارگیری پارک در مجاورت رود معابر-الگوی شبکه معابر

سلسله مراتب: وجود یک محور عبوری در مقیاس شهر (توحی) (در جنوب حوزه و یک محور فراشهری در شمال حوزه) (مدرس) - همچنین داشتن نقش عبوری محورهای چمران و کیان پارس علاوه بر نقش عملکردی آن ها در منطقه و حوزه سایر محورها شامل معابر جمع و پخش کننده و محلی است.

الگوی شبکه: دارای شبکه و بافتی شطرنجی و منظم- جهت گیری نسبتاً مناسب محورها و به تبع آن جهت گیری مناسب قطعات ساختمانی در کل حوزه

نحوه توسعه: دارای شبکه ای کامل و همپیوند که توسط دو پل اصلی شهر و دو محور متصل به آن ها با سایر نقاط و شبکه معابر بیرونی ارتباط دارد- دارای بافتی با همپیوندی درونی اما منفک از سایر بخش های شهر

کیفیت محیط شهری

نظام کالبدی: حوزه مورد نظر حوزه ای با دانه بندی متوسط و به میزان کمتری درشت دانه است؛ و به طور کلی در دانه بندی قطعات و بلوک بندی دارای نظم نسبی می باشد- جزء حوزه های بلند مرتبه نسبت به کل شهر است- توده و فضای آن در مقیاس کلان تنها از ترکیب بلوک ها و محورها ایجاد شده است.

نظام بصری: علاوه بر همجواری با رود کارون که پتانسیل ایجاد المان های بصری در مقیاس خرد و کلان را در اختیار این حوزه قرار می دهد، در حال حاضر وجود پارک ساحلی در این حوزه یکی از عناصر بصری شهر است. علاوه بر آن در مرز غربی حوزه وجود مسیر راه آهن و پهنه بایر اطراف آن یک منظر بصری ناخوشایند ایجاد شده است که قابلیت تبدیل شدن آن به دید های گسترده مطلوب مانند سبز و باز وجود دارد. همچنین برج بلند مرتبه جنوب حوزه نشانه ای قوی در شهر اهواز محسوب می شود

نظام ادراکی: حوزه مذکور به عنوان یکی از محلات شاخص شهر قابل باز شناسی است، همجواری با رود کارون می تواند پتانسیل ایجاد فضاهایی قابل ادراک در مقیاس شهر را فراهم آورد همچنین وجود محورهای و کانون ها و گره های فعال اجتماعی و ترافیکی در مقیاس منطقه و شهر از عوامل ایجاد کننده ادراک از این حوزه به عنوان بخشی از شهر است. علاوه بر آن این حوزه یکی از نواحی ورودی شهر اهواز است که در حال حاضر به عنوان دروازه ورودی قابل ادراک نبوده اما پتانسیل ایجاد عناصر دروازه ای شهر در محدوده ورودی آن وجود دارد.

نظام عرصه عمومی: فضاهای عمومی این حوزه پارک ساحلی محورهای چمران و کیان آباد می باشد که به عنوان عرصه های عمومی در سطح شهر قابل شناسایی هستند.

یافته های تحقیق

توصیفی

از میان پرسشنامه های توزیع شده تعداد افراد مورد پرسش ۹۸ نفر مرد (۶۵ درصد) و ۵۲ نفر زن (۳۵ درصد) می باشند. ۷۸ نفر (۵۲ درصد) از افراد مورد پرسش مجرد، و ۶۳ نفر (۴۸ درصد) متأهل هستند. بیشترین افراد مورد پرسش در گروه سنی ۵۱ تا ۶۰ سال با ۴۸ نفر (۳۲ درصد)، و کمترین افراد مورد پرسش نیز در گروه سنی ۲۰ تا ۳۰ سال با ۱۲ نفر (۸ درصد) هستند.

یافته های تحلیلی تحقیق

-تاثیرگذاری تقویت معیارهای بعد کالبدی بر حضور مردم و ایجاد حیات جمعی

برای بررسی "تاثیرگذاری تقویت معیارهای بعد کالبدی بر حضور مردم و ایجاد حیات جمعی" از ۱۱ گویه استفاده شده که چگونگی توزیع نسبی پاسخگویی به گویه ها این جدول (۱) آمده است. میانگین کل شاخص ها برابر ۳/۳۰ می باشد. این میانگین در بازه ۱ تا ۵ تعریف شده است. بالاترین میانگین مربوط به گویه تاثیر احداث گره های مکث به منظور بهره برداریهای متنوع (نشستن-مطالعه-استراحت-گفتگوی دو نفره یا چند نفره) (۳/۷۷) و پایین ترین میانگین مربوط به گویه تاثیر جنس نیمکت گره های مکث (سنگی و بتونی-چوبی-فلزی) روزمره (۳/۲۰) می باشد.

جدول ۱: شاخص تاثیر تقویت معیارهای بعد کالبدی بر حضور مردم و ایجاد حیات جمعی

ردیف	گویه	میانگین
۱	تأثیر احداث فضاهای استاندارد مطابق با تواناییهای جسمی افراد	۳/۲۵
۲	تأثیر احداث گره های مکث به منظور بهره برداریهای متنوع (نشستن-مطالعه-استراحت-گفتگوی دو نفره یا چند نفره)	۳/۷۷
۳	تأثیر طراحی مناسب نیمکت گره های مکث (دارای تکیه گاه-بدون تکیه گاه و قابل نشستن دو طرفه-دایره ای شکل)	۳/۲۹
۴	تأثیر رعایت استاندارد در طراحی نیمکت گره های مکث (عدم استفاده از نیمکت های بسیار کوتاه یا بلند)	۳/۳۲
۵	تأثیر جنس نیمکت گره های مکث (سنگی و بتونی-چوبی-فلزی)	۳/۲۰
۶	تأثیر طراحی واحداث فضا با توجه به علائق-خواستها و نیازها به منظور ایجاد احساس لذت از محیط	۳/۲۱
۷	تأثیر احداث فضاهای سرپوشیده متناسب با شرایط اقلیمی	۳/۲۳
۸	تأثیر ایجاد مکانی برای تماشای جمعی برنامه های تلویزیون (به خصوص مسابقات ورزشی)	۳/۲۴
۹	تأثیر تأمین ایمنی و امنیت پیاده راه در ساعات مختلف شبانه-روز	۳/۲۹
۱۰	تأثیر احداث نشیمنگاه های مناسب در کنار فضای بازی کودکان	۳/۲۵
۱۱	تأثیر ایجاد و احداث فضاهای دنج برای ملاقات و صحبت شهروندان	۳/۲۸
جمع		۳/۳۰

-تاثیرگذاری تقویت معیارهای بعد اجتماعی بر افزایش تعاملات اجتماعی

برای بررسی "تاثیرگذاری تقویت معیارهای بعد اجتماعی بر افزایش تعاملات اجتماعی" از ۵ گویه استفاده شده که چگونگی توزیع نسبی پاسخگویی به گویه ها این جدول (۲) آمده است. میانگین کل شاخص ها برابر ۳/۳۲ می باشد. این میانگین در بازه ۱ تا ۵ تعریف شده است. بالاترین میانگین مربوط به گویه تاثیر گذاری احساس امنیت (۳/۴۱) و پایین ترین میانگین مربوط به گویه تاثیر گذاری احساس هویت قوی (۳/۲۱) می باشد.

جدول ۲: شاخص تاثیر تقویت معیارهای بعد اجتماعی بر افزایش تعاملات اجتماعی و ترغیب استفاده از

فضاهای عمومی

ردیف	گویه	میانگین
۱	تاثیر گذاری احساس آرامش نسبی در فضا	۳/۳۵
۲	تاثیر گذاری احساس امنیت	۳/۴۱
۳	تاثیر گذاری حس مشارکت	۳/۳۲
۴	تاثیر گذاری حس تعلق به محل	۳/۳۱
۵	تاثیر گذاری احساس هویت قوی	۳/۲۱
جمع		۳/۳۲

آزمون فرضیه ها

فرضیه اول: به منظور حضور مردم و ایجاد حیات جمعی در فضای عمومی تقویت معیارهای بعد کالبدی در محدوده مورد مطالعه ضروری به نظر می رسد.

همان طور که در جدول (۱)، جدول ماتریس همبستگی، مشاهده می شود، مقدار همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر تقویت معیارهای بعد کالبدی بر ایجاد حیات جمعی در فضای عمومی (۰/۰۹۸) است. سطح معناداری (۰/۰۲۶) نیز بیانگر آن است که با اطمینان ۹۹ درصد و سطح خطای کوچک تر از ۰/۰۱ بین این دو متغیر رابطه مثبت وجود دارد. به بیان ساده تر، هر چه معیارهای بعد کالبدی تقویت شوند، حضور مردم و ایجاد حیات جمعی در فضای عمومی، بیشتر می شود، بنابراین فرضیه تایید می شود.

جدول ۳- نتیجه آزمون اسپیرمن جهت بررسی رابطه بین تقویت معیارهای بعد کالبدی بر ایجاد حیات جمعی در

فضای عمومی

متغیر	ویژگی های آماری	ایجاد حیات جمعی در فضای عمومی
رابطه بین تقویت معیارهای بعد کالبدی بر ایجاد حیات جمعی در فضای عمومی	همبستگی اسپیرمن	۰/۰۹۸
	سطح معناداری	۰/۰۲۶

(نگارنده ۱۴۰۰)

فرضیه دوم: به نظر می رسد تقویت معیارهای بعد اجتماعی بر میزان افزایش تعاملات اجتماعی شهروندان و ترغیب شهرنشینان به استفاده از فضاهای عمومی تاثیر دارد.

پس از تعیین میانگین شاخص ها جدول (۲) برای سنجش میزان تاثیر گذاری تقویت معیارهای بعد اجتماعی بر افزایش تعاملات اجتماعی، از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شد.

این آزمون ارتباط بین عوامل کیفی مشخص شده با متغیرهای مورد نظر را مورد سنجش قرار می دهد اندازه این ضریب عددی بین (-۱) و (+۱) است و هرچه این اندازه بزرگ تر باشد، شدت ارتباط میان دو متغیر بیشتر است.

همان طور که در جدول (۳)، جدول ماتریس همبستگی، مشاهده می شود، مقدار همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر تقویت معیارهای بعد اجتماعی و افزایش تعاملات اجتماعی (۰/۰۹۵) است. سطح معناداری (۰/۰۲۸) بیانگر آن است که با اطمینان ۹۹ درصد و سطح خطای کوچک تر از ۰/۰۱ بین این دو متغیر رابطه مثبت وجود دارد. به بیان ساده تر، هرچه معیارهای بعد اجتماعی تقویت شوند میزان تعاملات اجتماعی افزایش می یابد. بنابراین فرضیه تایید می شود.

جدول ۴ نتیجه آزمون اسپیرمن جهت بررسی رابطه بین تقویت معیارهای بعد اجتماعی و افزایش تعاملات

اجتماعی

متغیر	ویژگی های آماری	ارتقاء سطح کیفی پیاده راه
بررسی رابطه بین تقویت معیارهای بعد اجتماعی و افزایش تعاملات اجتماعی	همبستگی اسپیرمن	۰/۰۹۵
	سطح معناداری	۰/۰۲۸

(نگارنده، ۱۴۰۰)

نتیجه گیری

فضاهای عمومی شهری بیش از آنکه تحت تأثیر مسائل اقلیمی و کالبدی باشد متأثر از تعاملات اجتماعی و مشارکت مدنی و شهروندان جامعه است. در غیر این صورت تنها شاهد وجود حفرهای زیبا و جذاب در میان انبوهی از ساختمانهای شهری خواهیم بود.

در این خصوص در نظر گرفتن نیازهای انسانی و توجه به رفتارهای اجتماعی و عمومی آنها زمینه تعریف الگوی "عملکرد" فعالیتهای جمعی را در محیط های شهری فراهم می آورد. بنابراین فضاهای شهری از این ظرفیت برخوردارند که تعامل سازندهای را میان اجتماع و فرهنگ جامعه به وجود آورده تا فضایی مدنی را برای حضور شهروندان مهیا نمایند. این فضا بیش از هر فضای دیگری در شهر عرصه اعمال متقابل اجتماعی و غلبه هنجارها و موازین و ارزشهای اجتماعی می باشد. فضای اجتماعی نوع شبکه روابط اجتماعی خاص خود را بوجود می آورد. لذا فضاهای عمومی شهری، بستر و مأمونی برای برقراری روابط اجتماعی هستند بنابراین توانایی این فضاها در این زمینه، نقطه قوت آنها به شمار می روند.

در این پژوهش دو فرضیه مطرح شد که میانگین بدست آمده در فرضیه اول ۳/۳۰ و در فرضیه دوم ۳/۳۲ می باشد که با توجه به بالا بودن این میانگین از میانگین جامعه (۳) هر دو فرضیه مورد تایید هستند.

همچنین براساس مقدار همبستگی اسپیرمن، برای فرضیه اول مقدار همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر تقویت معیارهای بعد کالبدی بر ایجاد حیات جمعی در فضای عمومی (۰/۰۹۸) و سطح معناداری (۰/۰۲۶) و برای

فرضیه دوم، مقدار همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر تقویت معیارهای بعد اجتماعی و افزایش تعاملات اجتماعی (۰/۰۹۵) و سطح معناداری (۰/۰۲۸) می باشد.

برای ایجاد و توسعه روابط اجتماعی در پارک، ابتدا تأمین شرایط لازم برای جذب و حضور مردم در پارکها و سپس اعمال تدابیر لازم برای افزایش تعاملات بین افراد ضروری است. با توجه به مطالعات انجام شده، برخی از ویژگیهای ذکر شده، در جذب مردم به فضای پارک تأثیر بیشتری دارند. مانند در دسترس بودن و داشتن دعوت کنندگی و... برخی دیگر در افزایش مدت زمان حضور افراد در پارک مؤثرترند، مانند؛ آسایش فیزیولوژیک، برقراری امنیت، تحریک احساسات مخاطب و... و برخی نیز در تسهیل برقراری روابط و تعاملات اجتماعی بین افراد سهم مهمتری دارند، مانند وجود محل تجمع، جریان داشتن فعالیتهای مختلف، نحوه چیدمان فضاهای نشستن و... در انتها با توجه به نتایج فوق و علی رغم کاستیهای موجود می توان از پارک ساحلی به عنوان فضایی مناسب جهت تقویت روحیه اجتماعی و مکانی مناسب برای برقراری تعامل اجتماعی در فضای عمومی شهر نام برد. ضمن اینکه با در نظر گرفتن نتایج این تحقیق و لحاظ نمودن خصوصیتی که باعث مطلوبیت و نشاط و حیات اجتماعی شده است می توان این عوامل را بسط و توسعه داد و از تجربه ایجاد این سبز راه برای ایجاد فضاهای مطلوب مشابه در دیگر نقاط شهر و سایر شهرها استفاده نمود.

پیشنهاد

- مناسب بودن نوع نیمکت یا مکان نشستن: نیمکت باید برای نشستن به مدت طولانی و همچنین هنگام نشستن و برخاستن مناسب باشد.

- مکانیابی مناسب نیمکتها و توجه به جهت گیری و دید مناسب در انتخاب مکان فضای نشستن: معمولاً قرار دادن نیمکتها در مکانی که هیچ فعالیتی جریان ندارد، مناسب نیست؛ مگر در مواردی که با مقاصد خاصی مانند ایجاد یک فضای دنج انجام شود؛

- ایجاد حریم برای فضاهای نشستن: نیمکتهای بدون محافظ در وسط فضای عمومی، کمتر استفاده میشوند؛

- طراحی مبلمان متناسب با شرایط اقلیمی: مصالح مورد استفاده در ساخت مبلمان، باید با شرایط اقلیمی و آفتاب نسبتاً شدید در طول روزهای تابستان و همچنین سرمای فصل زمستان هماهنگی داشته باشد؛

- جذابیت ظاهری و توجه به ابعاد زیباشناسانه در طراحی نیمکتها.

- ایجاد نقاط کانونی و شاخص نظیر مراکز تجمع در طراحی پارک: نقاط شاخص در پارک مانند یک فضای تجمع شاخص، میتواند در افزایش تعاملات اجتماعی عامل مؤثری باشد. این فضای تجمع، میتواند به عنوان یک فضای چندمنظوره برای برپایی مراسم و آیینهای مختلف و یا فعالیتهای گروهی، مانند تماشای برنامه های تلویزیونی (نظیر سریالها و فوتبال) و یا برپایی نمایشگاه مورد استفاده توسط ساکنین محل قرار گیرد.

-برانگیختن احساسات مخاطب، در جذب مردم و افزایش مدت زمان حضور آنها در پارک تأثیر به سزایی دارد. برای این منظور، توجه به ابعاد زیباشناسانه فضا از قبیل ایجاد منظر زیبا و طبیعی، فراهم کردن گیاهان از رنگها، بافتها و گونه های مختلف و وجود جلوه های مختلف حضور آب از عوامل مؤثر در این زمینه هستند.

-توجه به مقوله ایمنی به عنوان عاملی مهم در پارک، به دو زیر مجموعه ایمنی در وسایل و امکانات، و ایمنی اجتماعی - روانی تقسیم می شود. از این رو، در نظر گرفتن استانداردهای و وسایل پارک و توجه به بحث امنیت اجتماعی- روانی، از راهکارهای افزایش جاذبه پارکها و فضاهای سبز عمومی محسوب می شوند.

-مکانیابی مناسب فعالیتها: تمرکززدایی و تفکیک فضا و ارتباط بصری مناسب با فعالیتهای مختلف جاری در

پارک

جدول ۵: راهبرد ها و سیاست گذاری ها		
مؤلفه	راهبرد	سیاست
حضورپذیری مردم	<ul style="list-style-type: none"> - استقرار کاربریهای اوقات فراغت - افزایش فضای سبز و مبلمان مناسب - عوامل جذاب برای هر گروه در فضا 	<ul style="list-style-type: none"> - کاشت درختان ردیفی به منظور جدا سازی مسیر سواره از پیاده و افزایش آسایش اقلیمی و به دنبال آن کاهش آلودگی محیطی - استفاده از آلایچق برای افزایش حضور پذیری و سرزندگی -در نظر گرفتن کافه ، رستوران و مراکز تجاری و فضاهایی با عملکردهای متفاوت جهت تعاملات اجتماعی -در نظر گرفتن تغییرات موسمی به منظور انجام مراسم های خاص -ایجاد یک عنصر (مجسمه) جهت تقویت هویت -ایجاد امکان نظارت بزرگسالان بر کودکان در حین آزادی ک-ودکان در محله
ارتقاء پیاده مداری در پارک (حرکت)	<ul style="list-style-type: none"> - جلوگیری از احداث مسیرهای عبوری از داخل سایت - احداث مسیرهای همپیوند و مجهز پیاده - افزایش سطح آسایش اقلیمی در مسیرها پارک - ایجاد کاربری های جاذب جمعیت پیاده 	<ul style="list-style-type: none"> -جولوگیری از احداث مسیرهای عبوری از داخل سایت -احداث مسیرهای همپیوند و مجهز پیاده -افزایش سطح آسایش اقلیمی در مسیرها ی پارک -حفظ پیوستگی مسیر های پیاده با اولویت دادن به آن ها در محل تقاطع با استفاده از سنگفرش -ایجاد کاربری های جاذب جمعیت پیاده. -ایجاد تسهیلات پیاده روی برای همه ی گروه ها از جمله کودکان ، کهنسالان و معلولان
ایجاد فضاهای همگانی (تقویت تعاملات اجتماعی)	<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد فضاهای سبز همگانی - ایجاد مراکز فرهنگی و آموزشی در سطح پارک - ایجاد فضاهایی برای حضور تمامی اقشار و گروه های سنی و جنسی در فضا 	<ul style="list-style-type: none"> -اصلاح ورودی ها ، امکان حضور و تردد آسان برای معلولین ، سالمندان و کودکان. -ایجاد مسیرهای ویژه دوچرخه . -پیش بینی برنامه های ویژه برای حضور کودکان . - ایجاد امکان مکث و توقف برای استراحت سالمندان ، کودکان و تأمین سرویسهای بهداشتی و آب آشامیدنی - تخصیص زمان یا فضا به بانوان ، سالمندان ، معلولین و کودکان یا احداث فضاهای مخصوص این اقشار - حفظ و نگهداری از درختان و فضای سبز سایت به منظور رفاه حال کاربران و ساکنان

<p>-نصب نمادهای شاخص در نزدیکی ورودیها . -ایجاد گشودگی یا پیش فضا برای تجمع . -استفاده از چهار سوق از فضا برای محل نشستن و استراحت -تلفیق فضا با پاتوقها و فضاهای کوچک و شاخص مجاور . - ایجاد میدان گاه و نقاط شاخص در ورودی . - برگزاری مسابقات ورزشی و امکان حضور عموم برای تشویق و تماشای مسابقه .</p>	<p>=تأمین مکان نشستن و ملاقات با دوستان = وجود نقاط مشخص برای قرار گذاشتن</p>	<p>دیدارگاهی شدن فضا</p>
<p>-ایجاد محل هایی برای فعالیت های غیر حرکتی مثل نشستن و ایستادن -استقرار فعالیت های تفریحی چون رستوران محلی یا چای خانه -پیش بینی فضا به عنوان گره ارتباطی ساکنین محل در محله -ایجاد امکان فعالیت های مشترک میان تمام ساکنان در مراکز -تعبیه مبلمان مناسب</p>	<p>-تشویق ساکنان به مکث در فضا -امکان استفاده از فضا برای گذران اوقات فراغت -ایجاد سلسله مراتب عرصه های عمومی و خصوصی جهت تعلق فضا به تمام ساکنان به یک اندازه -۸</p>	<p>ایجاد فضاهای خودمآمی با حضور همه اقشار</p>
<p>-تقویت نشانه ها و عناصر شاخص تاثیرگذار بر ادراک شهروندان -وضع قوانین برای رعایت اصول و نظام ارتفاعی جهت حفظ دید به نشانه های مصنوعی و طبیعی - بهره گیری از ویژگی ها و نشانه ها طبیعی و مصنوعی جهت ایجاد خوانایی در سایت</p>	<p>-۹ -ایجاد گره هایی واجد کیفیت و با کالبدی شاخص در بافت -تقویت دیدهای مطلوب.</p>	<p>خوانایی</p>
<p>-امکان ورزش همگانی و صبحگاهی برای تمام اقشار و گروههای جامعه . -ایجاد امکان روابط میان گروهی به کمک بازیهای جمعی و شکل دهی مکانها ویژه تجمعات . - تقویت حرکت در فضا و ایجاد مکانهای مکث گروهی . -بهره گیری از بخشهایی از پارک برای دست فروشان ، بازارهای روز ، نمایش آثار هنری . -ایجاد مکان مناسب برای انجام فعالیتهای آموزشی ، هنری و فرهنگی و ... -ایجاد امکان برگزاری مسابقات محله ای و ...</p>	<p>-انجام فعالیت های فردی، دسته جمعی و گروهی</p>	<p>فعالیت گروه ها در فضا</p>
<p>-بهره گیری از مالکان ساختمانهای همجوار برای نظارت برفضا - مشارکت استفاده کنندگان در خصوص مخارج فضا -بهره گیری از حس تعلق استفاده کنندگان برای نگهداری و تمیز کردن فضا -واگذاری هر فضا به گروهی از استفاده کنندگان برای نگهداری و تمیز کردن فضا - آبیاری و نگهداری درختان در فضا و اطلاع دادن مشکلات فضا به مدیران شهری</p>	<p>-۱۶ -برخورداری فضا از متولی خصوصی -همکاری استفاده کنندگان در تامین هزینه های فضا -پاکیزه نگه داشتن فضا</p>	<p>مشارکت کردن برای رفع مشکلات</p>
<p>-تزیین فعالیتهای ۲۴ ساعته به بافت -جلوگیری از ایجاد فضا های بدون دفاع در بافت به وسیله نور - اجرای نورپردازی جهت ایمنی درشب</p>	<p>-نورپردازی مناسب -نظارت پذیر نمودن فضاهای داخل سایت -ایجاد کاربری های فعال خصوصاً در ساعات پایانی روز</p>	<p>حفظ امنیت</p>

منابع

- اکبری ریابی، محمد و امیرعضدی، حسین (۱۳۹۸)، راهکارهای طراحی فضاهای عمومی باهدف شکل گیری تعاملات اجتماعی در محله گنبد کازرون، فصلنامه علمی تخصصی مطالعات طراحی شهری و پژوهش های شهری، سال دوم، شماره ۲، پیاپی، ۵، تابستان، صفحات ۱-۱۵
- بالسینی، حامد و رضا سلطانی، منصوره، (۱۳۹۵)، فضای باز نمایشی از دیدگاه منظر شهری با رویکرد ارتقاء تعاملات اجتماعی، سومین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در عمران، معماری و شهرسازی، برلین، آلمان، تیرماه
- بهرامی نژاد، دهقان، (۱۳۸۲)، شناخت و ارزیابی کیفیت محیط شهری در بافت میانی شهرها، مطالعه موردی: بافت میانی شهر شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشگاه شیراز، شیراز
- پاک نهاد، حدیثه و پژوهان فر، مهدیه، (۱۳۹۶)، بهبود الگوهای کیفیت فضایی پارک های شهری به منظور افزایش تعاملات اجتماعی شهروندان، نمونه موردی: پارک های شهر گرگان، مجله آمایش جغرافیایی فضا، فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه گلستان، سال هفتم، شماره مسلسل بیست و ششم، زمستان، صفحات ۱۹۷-۱۸۳
- حبیبی، سید محسن، ۱۳۷۹، جامعه مدنی و حیات شهری، مجله هنرهای زیبا، شماره ۷، تابستان، صفحات ۲۱-۳۳
- دانش پور، سید عبدالهادی، چرخچیان، مریم، (۱۳۸۶)، فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی، باغ نظر، دوره ۴، شماره ۷، شهریور، صفحات ۱۹-۲۸
- سعیدنیا، احمد، ۱۳۷۸، کتاب سبز شهرداری ها، جلد اول (شهرسازی) سازمان شهرداری های کشور، تهران سعیدی رضوانی، نوید، اسدی، شایان، (۱۳۹۹)، تدوین معیارهای طراحی فضای مشترک در مناطق مرکزی شهرها (مطالعه موردی: خیابان خیام شهر قزوین)، فصلنامه پژوهشی - تخصصی شهرسازی و معماری هویت محیط، دوره اول، شماره ۲، بهار، صفحات ۱-۲۱
- شاهی آقبالاغی، عارف، زنگنه، یعقوب، خدابنده لو، حسن و درودی نیا، عباس (۱۳۹۵). سنجش شاخص های کیفیت محیط شهری (مطالعه ی موردی: مسکن مهر شهر سبزوار)، مطالعات جغرافیایی مناطق خشک دوره هفتم، شماره ی بیستم و ششم، زمستان. صفحه ۷۲-۵۴
- شجاعی، دلارام و پرتوی، پروین، (۱۳۹۴)، عوامل مؤثر بر ایجاد و ارتقاء اجتماع پذیری در فضاهای عمومی با مقیاس های مختلف شهر تهران نمونه موردی: فضاهای عمومی دو محله و یک ناحیه در منطقه ۷ تهران)، باغ نظر، شماره ۳۴، سال دوازدهم، پاییز، صفحات ۱۰۸-۹۳

شماعی، علی و پوراحمد، احمد، (۱۳۸۴)، بهسازی و نوسازی از دیدگاه علم جغرافیا، انتشارات دانشگاه تهران

شوای، فرانسواز، (۱۳۷۵)، شهرسازی، تخیلات و واقعیات (سید محسن حبیبی، مترجم) تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

شهرداری اهواز، (۱۳۹۶)، سالنامه آماری، جمعیت، فصل دوم، معاونت برنامه ریزی و توسعه نیروی انسانی، صفحه ۴۸-۲۶

شهرداری اهواز (۱۳۹۶)، سالنامه آماری، جمعیت، فصل دوم، معاونت برنامه ریزی و توسعه نیروی انسانی، صفحه ۴۸-۲۶

صمدی، علی، موسوی، سید یعقوب و ازکیا، مصطفی (۱۳۹۸)، تحلیل جامعه شناختی - کالبدی فضاهای عمومی شهری مطالعه موردی: کلانشهر تهران، فصلنامه شهر پایدار، دوره ۲، شماره ۴، زمستان، صفحات ۱۱۴-۱۰۱

فرازمند، نادیا، (۱۳۹۹)، ارزیابی نقش رتبه بندی مکانی خدمات شهری بر رضایتمندی شهروندان در محله های کیانپارس و سید خلف اهواز، پایان نامه کارشناسی ارشد، مدیریت شهری، به راهنمایی دکتر زهرا خزایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز

قلمبر دزفولی، مریم و نقی زاده، محمد، (۱۳۹۲)، طراحی فضای شهری به منظور ارتقاء تعاملات اجتماعی (مطالعه موردی: بلوار بین محله ای)، هویت شهر شماره هفدهم، سال هشتم، بهار، صفحات ۲۴-۱۵

گیدنز، آنتون، (۱۳۷۳)، جامعه شناسی، مترجم: منوچهر صبوری، تهران

لنارد، کروهرست سوزان؛ و لنارد، هنری، (۱۳۷۷)، طراحی فضاهای شهری و زندگی اجتماعی، مترجم: رسول مجتبی پور، مجله معماری و شهرسازی،

لینچ، کوین، (۱۳۷۶)، تئوری شکل خوب شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

ماجدی، حمید، منصور، الهام و حاجی احمدی، آذین، (۱۳۹۰)، باز تعریف فضای شهری (مطالعه موردی: محور ولیعصر حد فاصل میدان ولیعصر تا چهار راه ولیعصر)، مجله مدیریت شهری، شماره ۲۷، بهار و تابستان، صفحات ۲۸۳-۲۶۳

ملکی، سعید، آروین، محمود و بذافکن، شهرام (۱۳۹۷)، بررسی نقش الگوی حکمروایی خوب شهری در تحقق شهر تاب آور (مطالعه موردی: شهر اهواز)، فصلنامه دانش شهرسازی، دوره ۲، شماره ۴، صفحه ۱۸-۱

نامداریان، احمدعلی، (۱۳۸۹)، بررسی نیروهای مختلف در شکل گیری فضای شهری، مجله هویت شهر، دوره ۴، شماره ۷، زمستان، صفحات ۱۳۰-۱۲۳

Mitchell, D (1996). "Introduction: Public space and the city". Urban Geography, Vol17, No.2.

Özgülner, Halil. 2011. Cultural Differences in Attitudes towards Urban Parks and Green Spaces. Landscape Research. 36.

Zeng, Zhaozhao. Song, Bingjie. Zheng, Xiaodong. Li, Huan.(2019). "Changes of traffic network and urban transformation: A case study of Xi'an city, China". Land Use Policy ,Vol 88 – November 2019 .p 1-9.